

نگرانی از آینده قدرت هسته‌ای بی‌ثبات

یاشار امینی



شاید جالب باشد که بدانید بی‌نظیر بوتو از هنگام ورود به پاکستان نگران این بود که روز بازگشتش روز حادثه خیز و خطرناکی برای او باشد. او هر چند از بازگشت خود پس از تبعیدی هشت ساله خوشحال بود، اما بوی خطر را هم حس می‌کرد. بوتو لحظاتی پیش از آنکه دبی را به مقصد پاکستان ترک کند، نامه‌ای نوشت و دستور داد یکی از مشاوران مورد اعتمادش آن را شخصا به دست رئیس جمهور مشرف بدهد. در نامه‌ی بی‌نظیر بوتو به مشرف نوشته شده بود: "اگر هر حادثه‌ای برای من اتفاق افتاد، لطفا تحقیقات خود را روی این افراد که عضو دولت شما هستید، متمرکز کنید". در ادامه نامه نخست‌وزیر سابق پاکستان به مشرف، نام شماری چند از مقامات سیاسی و امنیتی بلندپایه دولت مشرف آمده بود که بوتو آنها را دشمن خود می‌دانست. بوتو در این نامه هشدار داده بود که "تروریست‌ها تلاش می‌کنند کنترل کشور را در دست بگیرند و ما باید به هر نحو ممکن در برابرشان بایستیم". همان طور که وقایع بعدی نشان داد، احساس خطر بوتو بی‌دلیل نبود!

بوتو می‌دانست ترور می‌شود

بی‌نظیر بوتو چند روز پیش از اینکه در تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۰۷ به کراچی بازگردد، در مصاحبه‌ای با بی.بی.سی، پاکستان را یکی از خطرناک‌ترین کشورهای جهان نامید. این اظهارات او درست چند ساعت پس از بازگشت او به پاکستان که انفجار ۲ خودروی بمب‌گذاری شده منجر به کشته شدن بیش از ۱۴۰ نفر از هوادارانش گردید که او را از فرودگاه استقبال می‌کردند، درست از آب درآمد. بعد از اینکه بوتو با فاصله‌ی کمی از مرگ، از آن تلاش تروریستی جان سالم به در برد، دولت پرویز مشرف را به عدم تامین امکانات محافظتی کافی متهم کرد. این اتهامی است که هواداران بوتو بعد از قتل او در راولپندی در تاریخ ۲۷ دسامبر همچنان دولت مشرف را بدان متهم می‌کنند. این اتهام از

آن جهت حائز اهمیت است که شهر راولپندی بزرگترین شهر نظامی پاکستان است که ساختمان‌های اصلی ارتش پاکستان، دفاتر سرویس‌های اطلاعاتی و منازل هزاران نفر از نظامیان بازنشسته و در حال خدمت در آن قرار دارد.

تحلیلگران هشدار می‌دهند که پاکستان با بزرگترین بحران خود از زمان جدایی بنگلادش از این کشور در ۳۵ سال پیش مواجه است

با این حال بوتو می‌دانست که ممکن است تعدادی از فرماندهان عالی‌رتبه‌ی سازمان اطلاعات پاکستان ISI که مقر آن در این شهر است تمایل چندانی برای اقدامات محافظتی از وی نداشته باشند. در واقع ISI شاخه‌ی اطلاعاتی امنیتی نظامیان ناسیونالیستی است که عملاً جنبش طالبان را خلق و سازماندهی کردند- به نقل از یکی از مصاحبه‌های ۸ سال پیش خانم بوتو با BBC- و با کمک CIA و MI۶ در افغانستان کاشتند. پس از حملات ۱۱ سپتامبر و سقوط طالبان، پاکسازی پاکستان از باقی مانده‌ی نیروهای طالبان آغاز شد و مشرف با فشار آمریکایی‌ها پاکسازی دواپیر امنیتی و نیز ارتش را از افسرانی که خالق طالبان بودند و به ملاعمر مشاوره می‌دادند آغاز کرد. برخی اخبار حاکی از آن است که به رغم تمایل مشرف برای پاکسازی ارتش و ISI، عملاً پاکسازی این دواپیر از عناصر تندرو امکان‌پذیر نیست یا بسیار زمانبر است. برخی دیگر از تحلیل‌ها حاکی از آن است که دو طیف متفاوت سیاسی عملاً اداره دواپیر حساس امنیتی و ارتش پاکستان را بر عهده دارند؛ طیفی که عملاً سالیانی از عمر خود را در کنار طالبان



نابودی خواهد کشید". این در حالی است که مسوولان برگزاری انتخابات پارلمانی پاکستان انتخابات سراسری این کشور را تا ۱۸ فوریه (۲۹ بهمن) به تعویق انداخته‌اند.

در چنین شرایطی برآستی جهان با نگرانی جدیدی مواجه شده است. پس از قتل بی نظیر بوتو این خطر وجود دارد که پاکستان به عنوان قدرت اتمی، کاملاً غیرقابل کنترل شود و در دست بنیادگرایان اسلامی افتد. با وجود بی نظیر بوتو شاید پاکستان شانس توسعه‌ی دموکراتیک را داشت،

دانشگاه پنجاب لاهور می‌گوید: "ما به سوی یک مرحله سیاسی کاملاً نامعین در حرکت هستیم؛ مرحله‌ای که می‌تواند کشور را در گرداب یک هرج و مرج فرو برد. حجم ناآرامی‌ها این تردید جدی را به وجود آورده است که آیا در چنین وضعیتی امکان برگزاری انتخاباتی که هدف از آن خارج کردن کشور از بحران سیاسی است، وجود دارد یا خیر". نواز شریف چهره‌ی برجسته‌ی دیگر اپوزیسیون پاکستان از هم اکنون حزب خود را از انتخابات کنار کشیده و معتقد است ادامه‌ی این روند "کشور را به

گذرانده و به بنیادگرایان متمایل است و نیز طیفی که تاثیر چندانی از گرایش‌های اسلام‌گرای نگر گرفته است اما در اقلیت قرار دارد. خانم بی نظیر بوتو در جریان مبارزات انتخاباتی خود بارها ISI و مدیران امنیتی که به القاعده و طالبان گرایش دارند را مورد حمله قرار داده بود.

وی از معدود رهبرانی بود که علیه القاعده موضع‌گیری کرد و بارها تاکید کرده بود که جریانات افراط‌گرای مرزهای شمالی این کشور باعث تجزیه‌ی پاکستان خواهد شد. وی همچنین از مردم خواسته بود که به مقابله با افراط‌گرایان بپردازند یا حداقل به آنها کمک نکنند. اظهارات فوق برای رهبری سیاسی که از سوی رقبا و نیز مشرف عروسک خیمه شب‌بازی آمریکا نامیده می‌شد، مفهومی جز این نداشت که گروه‌های اسلام‌گرای افراطی با یا بدون همکاری عوامل خودسرا ISI برای ترور او اقدام کنند.

■ اکنون چه چیزی در انتظار پاکستان است؟

تحلیلگران هشدار می‌دهند که پاکستان با بزرگترین بحران خود از زمان جدایی بنگلادش از این کشور در ۳۵ سال پیش مواجه است. حسن عسکری رییس پیشین دانشکده علوم سیاسی در

قتل بوتو به نفع کیست؟



حریف خیالی" توصیف کرد و گفت: "این حریف خیالی به زودی به غولی تبدیل می‌شود و روزی این کشور را تصرف خواهد کرد، عاملان این ترور نمی‌خواستند که همسر من در قدرت قرار بگیرد، چون بازی‌های آنها در راستای مبارزه با حریف خیالی‌شان نمی‌توانست با حضور بی نظیر بوتو ادامه یابد". هر چند که گروه‌های القاعده و طالبان نیز مشارکت در ترور بوتو را تکذیب کرده‌اند و گفته‌اند در مرام آنها نیست که زنان را بکشند، ولی هدف از انفجار انتحاری شهر راولپندی ایالت پنجاب می‌توانست هم خود بوتو به عنوان سیاستمداری واقعی و هم انتخابات آتی باشد؛ زیرا زمانی که چنین رویدادهایی رخ می‌دهند همیشه مجموعه‌ای از شرایط در آن دخالت دارند.

دولت پاکستان در ساعات اولیه پس از مرگ بوتو "بیت‌الله مسعود" فرمانده طالبان پاکستان را عامل طراحی ترور بوتو معرفی کرد ولی آصف زرداری، همسر بی نظیر این اظهارات دولت پاکستان را مورد تمسخر قرار داده و در عوض تشکیلاتی را که از نظر قدرت و گستردگی از خود پرویز مشرف، رییس جمهور پاکستان بزرگتر می‌باشد را عامل ترور بوتو معرفی کرد. آصف زرداری همچنین گفت: "فکر نمی‌کنم که ما برای القاعده تهدید محسوب بشویم. ما در دولت پاکستان حضور نداریم. چرا القاعده به جای از بین بردن ساختار فعلی دولت پاکستان باید اعضای ما را بکشد؟ چرا آنها باید به دنبال ما باشند؟". وی در ادامه نقش اسلام آباد در جنگ علیه تروریسم را با "جنگ با

حادثه تکان دهنده قتل بوتو و پیامدهای احتمالی آن توجه جهانیان را به کلی به خود معطوف کرده و سیاستمداران و تحلیلگران در حال بررسی عوامل و ابعاد این رویداد و تاثیر احتمالی آن بر آینده‌ی پاکستان و منطقه‌ی آشوب‌زده‌ی خاورمیانه و کل جهان هستند. در حقیقت مسوولیت و عواقب ترور بوتو آن قدر سنگین است که حتی اسامه بن‌لادن رهبر القاعده در یک پیام ویدیویی هر گونه دخالت القاعده در این عملیات تروریستی را به شدت تکذیب کرد. در شرایطی که نه القاعده و نه هیچ گروه دیگری (تا لحظه‌ی نگارش این مقاله) مسوولیت ترور بوتو را بر عهده نگرفته، سوالی که ذهن کارشناسان را به خود مشغول کرده این است که ترور بوتو واقعا به نفع کدام شخص یا سازمان است؟